فرهاد نظری و ۱۷ پرسنل نیروی انتظامی تبرئه شدند

بقیه از صفحه ۲

به شمعای و شماری از جرایم مشهودی که در مرئی و منظر مأمورین به وقوع پیوسته اشاره می کنیم:

۱-تجمع غیرقانونی راهپیمایی کنندگان در خیابان کارگر و مقابل کوی دانشگاه،ساعت حدود ۳۳ شب مورخ ۷۸/۴/۱۷ به این معنی که افرادی در خیابان به قصد اعتراض به تصمیمات قانونی مراجع رسمی کشور (مجلس شورای اسلامی) تجمع نموده اند که این عمل به موجب ماده ۶۱۰قانون مجازات اسلامی جرم محسوب و حتی توضیح داده شد که چنانچه به قصد برهم زدن امنیت داخلی یا جناحی کشور باشد،بنا به تشخیص حاکم شرع محاربه می باشد و در صورت عدم اجرای قصد مذکور، صرف انجام عمل ۲ الی ۵ سال حبس مجازات آن خواهد بود.

۲-راهپیمایی و تظاهرات غیرقانونی و بدون مجوز،براساس نامه شماره ۱۵۸۹۸۲ مورخ ۷۹/۴/۲۵ صادره از سوی مدیر کل امنیتی انتظامی وزارت کشور،این راهپیمایی غیرقانونی و بدون مجوز بوده است،چون وزارت کشور در نامه مذکور صراحتاً اعلام نموده که هرگونه راهپیمایی با هر انگیزه ای می بایست تحت نظر سازمان ها و نهادهای مسؤول و با اخذ مجوز از وزارت کشور صورت پذیرد.جالب این است که گفته می شود،اعتراض دانشجویی امری عادی و مسبوق به سابقه مستد است و استناد شده به مواردی از جمله،مورخ ۷۶/۳/۶ در مقابل کوی دانشگاه،به علت حمایت از کاندیداتوری فرد مورد نظر دانشجویان و مورخ ۷۶/۳/۲۶ در کوی فاطمیه علیه آمر به معروف و درگیری و بازداشت شدن خواهر حزب الهی و اخراج وی از خوابگاه توسط مدیر سابق کوی انجامید و در مورخ ۷۶/۶/۱۷ در معاونت دانشجویی که به دلیل عدم تخصیص خوابگاه، تجمع اعتراض آمیز و تشنج آفرین توأم با شکستن شیشه ها صورت گرفت که با گفتگوی مسؤولان خوابگاه منفرق شدند و در مورخ ۷۷/۷/۱۸ در کوی دانشگاه تهران به بهانه برخورد بد انتظامات کوی با یکی از دانشجویان، تجمع اعتراض آمیز انجام که منجر به توهین به مقام معظم رهبری و جوسازی علیه سپاه گردید و خاتمه پیدا کرد و مورخ ۷۶/۶/۲۰ در سرویس سی کوی دانشگاه به علت مشکلات رفاهی خوابگاه،تجمع اعتراض آمیز شده که با دادن قول رسید گی متفرق شدند و مورخ ۷۶/۶/۲۰ در سلف سرویس خوابگاه به دلیل کیفیت نامطلوب غذا و مورخ ۷۶/۸/۱۰ در کوی دانشگاه به دلیل قطع برق در شب و در مورخ ۷۶/۸/۹ در محوطه کوی دانشگاه به علت مسمومیت ۱۵۰ نفر دانشجو و مورخ ۷۶/۹/۱۰ در محوطه کوی دانشگاه به علت قطع برق در خوابگاه ۷۷/۹/۲۳ در کوی دانشگاه تهران به بهانه مشکلات صنفی و ۷۷/۱۰/۵ در کوی دانشگاه در حمایت از آقای کربلیچی و مورخ ۷۶/۱۰/۱۲-۷۶/۱۰ خیابان کارگر شمالی به دلیل مشکلات رفاهی و نامطلوب بودن غذا و ۷۶/۱۰/۱۹ در خیابان کارگر شمالی به دلیل قطع آب و مشکل غذا و ۱۰/۲۲ ۷۷ در کوی دانشگاه به علت دستگیری عاملان قتل های اخیر و مواردی از این قبیل که اولاً در بعضی موارد، تجمع توأم با ارتکاب جرم بوده و وجود موارد مشابه مجرمانه و عدم برخورد قانونی نمی تواند دلیل بر جرم نبودن باشد. ثانیاً اکثر موارد اعتراضات دانشجویی مربوط به مسائل صنفی از قبیل مسائل رفاهی، درسی و مدیریتی و یا حرکت های سیاسی دانشجویی روشنگرانه ای است که در کشور موجب رشد و بالندگی خواهد بود و هیچ کس منکر آن نیست .اما تجمعی که همراه با تخریب و تضعیف نظام مردمی و قانونمند است و توأم با هتک حرمت ارزش های دینی و اهانت به مقدسات و ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی است ،چگونه ممکن است تجمع صنفی عادی دانشجویی نامیده شود؟!

۳-راهپیمایی کنندگان در نیمه شب با ایجاد هیاهو و جنجال و دیگر اعمال خلاف قانون خود موجب سلب آسایش مردم شده اند.در این خصوص ماده ۷ لایحه قانونی راجع به مجازات کسانی که اخلال در نظم و آسایش عمومی دارند مصوب ۱۳۶۶ می گوید:هر کس به وسیله هیاهو و جنجال و یا حرکات برخلاف عادت و متعارف و یا تعرض به اشخاص نظم و آرامش و آسایش عمومی را مختل نماید یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که ایجاد هراس و تشویش در افکار عمومی نماید و یا مردم را از کسب و کار باز دارد و یا آزادی و آسایش عمومی را مختل سازد به حبس از ۲ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

۴-سلب امنیت و ایراد خسارات به اموال مردم که مطابق با مادتین ۶۸۳ و ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی جرم بوده و مرتکب یا مرتکبین مستوجب حبس تا ۵ سال خواهند بود.

۵-حمله به پلیس و مقاومت در مقابل دستورات و خواسته های پلیس می باشد که براساس ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی تمرد محسوب و دارای مجرزات مقرر در ماده مرقوم است .

۶-اهانت و شعارهای توهین آمیز علیه امام راحل و مقام معظم رهبری که برابر ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی جرم بوده و مرتکب، حسب مورد به شش ماه تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد.

۷-توهین و افترا و هتک نسبت به مسؤولان نظام و رؤسای قوا و فرماندهان ناجا که عمل مجرمانه و مشهود بوده است .

۸-آدم ربایی و گرو گانگیری اخلالگران و اغتشاشگران است که حتی مستبط از مجموع اظهارات بعضی از شکات نیز می باشد و عمل مجرمانه ای است که براساس ماده ۶۲۱ ق.م اسلامی مرتکب، به حبس تا ۱۵ سال محکوم می گردد .اکنون مأمورین و فرماندهان نیروی انتظامی که مطابق با شرح وظایف قانونی خود به صحنه آمده و مشاهده این همه جرم مشهود می نمایند چه تکلیفی دارند و آیا باز ورود مأمورین به کوی دانشگاه برای تعقیب و خاموش نمودن اغتشاش و فتنه و توطئه علیه نظام و دستگیری این قبیل مجرمین ،ورود به عنف به منزل افراد و بدون مجوز محسوب خواهد شد.؟! یا ورود و یا عملیات آنان مصداق کامل ماده ۳۳ آئین دادرسی کیفری و عین تکلیف شرعی و قانونی است ؟ حال یا باید اهانت به ارکان نظام و اینهمه جرایم مشهود از سوی مرتکبین را در مورخ ۷۸/۴/۱۷ و ۷۸/۴/۱۸ جرم ندانیم و یا اگر جرم است دانشجویان را مستثنی کنیم و یا نظر به اینکه جرایم مزبور در محوطه کوی و بالای بام ساختمان خوابگاه های دانشجویی و در محیط علم و دانش رخ داده است از جهت قداست مکان، نسبت به آن صرف نظر نماییم. لکن دانشجویان عزیز هم که از ارزشمندترین و والاترین قشر فرهنگی و فرهیخته کشور خود چنین تصوری ندارند و همه آحاد مردم را در برابر قانون در هر زمان و مکان مساوی می دانند به خصوص اینکه ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران نیز احترام به قانون را یکی از محوری ترین شعارهای خود قرار داده اند،ورود بر آن پای می فشارند و قانون گرایی و قانونمند شدن امور را مورد تأکید قرار داده اند و نباید دانشجویان عزیز بهانه بدست عده ای دانشجونما و اخلالگر و قانون گریز بدهند تا سنگر علم و دانش و تحصیل و مأمن فکر و اندیشه، مأمن مجرمین قرار گیرد. علی هذا متهم موصوف را به علت فقد دلیل مجرم ندانسته ،مستند را به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصل مستحکم اساله البرائه از این حیث تبرئه می نمایم.

ب : درخصوص بزه لغو دستور منتسب به متهم با این توضیح که گفته می شود: سردار نظری ساعت ۶/۳۰ بامداد مورخ ۷۸/۴/۱۸ پس از اینکه از سوی وزیر محترم کشور و جانشین ناجا سردار انصاری به صحنه آمده و دستور وزیر کشور را مبنی بر عدم ورود به کوی دانشگاه به سردار نظری ابلاغ کرده ، علی رغم این معنی ،سردار نظری مبادرت به صدور دستور ورود به کوی به مأموران تحت آمر نموده است . در این مورد: اولاً شخص متهم در محضر دادگاه مرتکب چنین دستوری است و اظهار داشته که نیروها بدون توجه وارد کوی شده اند و ثانیاً شخص سردار انصاری در برگ ۳۵ ق پرونده توضیح داده است که در ورود مرحله سوم که ساعت ۵ صبح مورخ ۷۸/۴/۱۸ اتفاق افتاده،اینجانب در اولا توجیه سردار نظری و سردار رجب زاده و جناب آقای عبدالسلام و بعضی دیگر از افراد و دم نسبت به دستور وزیر محترم کشور و جانشین فرماندهی معظم کل قوا که گفتم تیراندازی نکنید، به "کوی وارد نشوید، گاز اشک آور نزنید" که پس از توجیه ناگهان ملاحظه کردم که دانشجویان که درخیابان کارگر شمالی بودند به پرسنل ناحیه انتظامی تهران بزرگ حمله کردند و درگیری اینگونه آغاز شد و عملاً زمینه اجرای دستور وزیر محترم کشور از سردار نظری سلب گردید و فرصتی برای نامبرده باقی نگذاشتند و اینجانب در جلسات دیوریخانه گفتم که سردار نظری تمرد از دستور جانشینی نکرده است بلکه زمینه اجرای دستور برای او فراهم نشده است و اینجانب شاهد صدور دستور ورود به کوی توسط ایشان نبوده و از کسی هم نشنیدم که دستور ورود مرحله سوم اموضوع لغو دستور را داده باشد. صرف نظر از اینکه از دوعضیت های چهار گانه مصرح در دستور العمل روابط کاری بین فرماندهان نواحی و استانداران به شماره ۲۰۲/۲/۵۴۸ط مورخ ۷۶/۸/۲۵ صادره از ستاد کل نیروهای مسلح، تهران بزرگ را از این دستور العمل مستثنی دانسته و در ماده ۴ مقرر می دارد: دفاع و حفاظت از تهران بزرگ مشمول این دستور العمل نیست و با توجه به اینکه زمینه اجرای دستور وزیر کشور منتفی بوده است و تعیین و ابلاغ هر یک از وضعیت های چهارگانه هم در تبصره ۱ ماده ۶ دستور العمل فوق الاشاره چنین بیان شده که: تعیین و ابلاغ وضعیت اول در سطح استان و شهرستان ها با رئیس شورای تأمین استان می باشد. تشخیص و تعیین وضعیت دوم با پیشنهاد شورای تأمین استان و شورای عالی امنیت کشور می باشد. وضعیت سوم با پیشنهاد شورای تأمین فرماندهی معظم کل قوا (عنداللزوم بعضی از طرح شورای عالی امنیت ملی) می باشد و روشن است که در قضیه حادثه کوی دانشگاه هیچ وضعیت خاصی تا تاریخ ۷۸/۴/۱۸ تعیین نگردیده بود .بنابراین نیروی انتظامی می بایست مطابق با وظایف ذاتی خود در برابر اغتشاش عمل می کرد که دقیقاً بدان عمل نموده است . صرف نظر از آنچه گفته شد، احراز سوء نیت و اثبات آن که عنصر اساسی واصل از عناصر سه گانه جرم است درخصوص مورد متنفی است ،زیرا کسی که تمامی وجودش عشق به نظام و اسلام و انقلاب و ولایت و خدمت به مردم بوده است و در طول مدت خدمت حتی یک توبیخ کتبی در پرونده ندارد و دارای سوابق ارزشی از قبیل سال ها حضور در مناطق عملیاتی و محرانی و حضور فعال در مناطق محروم کشور و شرکت در عملیات ها نظیر :سرپل ذهاب ، گیلانغرب ،طریق القدس ،بستان، جزایه،بیت المقدس ،فتح المبین ،رمضان، محرم،والفجر مقدماتی ،والفجر ۳ و والفجر ۴ می باشد و در این راه به ۵ شرعت جانبازی مفتخر گردیده است . احراز سوء نیت در مورد وی و در خصوص نادیده گرفتن دستور جانشین فرماندهی کل قوا و صدور دستور ورود به کوی دانشگاه برخلاف قانون منصور نمی باشد.

علیهذا در این مورد نیز به علت فقد عنصر معنوی جرم ومستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واصل استوار اساله البرائه رأی بر برائت وی صادر و اعلام می نمایم.

ج- در خصوص بزه ایجاد موجبات بدبینی نسبت به نیروهای انتظامی، گر چه اصل بدبین شدن مردم از زمان حادثه به بعد نسبت به ناجا انکارناپذیر است ،لکن انتساب آن به متهم به عنوان موجد و عامل ،جای تأمل و بررسی است .باید دید چه عامل یا عواملی مردم را در آن ایام نسبت به مأموران بدبین نموده است ؟ وقتی در کشوری قانون وضع شده و مطابق آن به پلیس مأموریت می دهند که در شرایط بحرانی و اغتشاش برخورد کند و مطابق با دستورالعمل هایی که "مبافا مورد اشاره قرار گرفت مکلف به برخورد می باشد و وظیفه ذاتی او مسلم شدن به سلاح و تجهیزات کامل و کافی و خاموش نمودن فتنه و آشوب است و مسؤولیت امنیت مردم و نوامیس آنان و مقابله با شرارت ها برعهده او گذاشته شده است و کار قانونی خودش را انجام داده است ،چگونه می توان حضور او و عمل به قانون از سوی وی را از موجبات بدبینی مردم نسبت به نیروی انتظامی شمرد؟! وقتی دربرابر این اقدام پلیس در کشور، عوامل گسترده و پر حجمی از مطبوعات و تریبون های مختلف دست اندر کار محکوم نمودن وخطا جلوه دادن کار قانونی باشند و همانند مانحن فیه چندین ماه در مطبوعات پلیس را تقبیح نمایند و مقابله کنندگان با پلیس و اغتشاشگران و مجرمین را مظلوم جلوه دهند، بدیهی است که مردم نسبت به نیروی انتظامی با آن چهره ای که از او ساخته اند بدبین می شوند . اکنون باید پرسید سبب و علت بدبینی چیست و کیست ؟ پلیس است یا مطبوعات نالسالم و قانون گریز و عواملی که دنبال آشوب و تخریب چهره نظام و ارکان نظام اند؟ به نظر می رسد در حادثه مورخ ۷۸/۴/۱۷ و ۷۸/۴/۱۸ تا مورخ ۷۸/۴/۲۳، نیروی انتظامی هیچگونه سببیتی برای بدبینی مردم نداشته و مطابق با تکالیف قانونی وذاتی خود عمل نموده است و شخص متهم ردیف اول نیز از یک طرف منکر بزه مذکور هست و از سوی دیگر دلیل محکمه پسندی مبنی بر صحت انتساب بزه مذکور به وی وجود ندارد. علیهذا در خصوص ایجاد جو بدبینی نسبت به نیروی انتظامی به علت فقد دلیل ومستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل مستحکم اساله البرائه رأی بر برائت متهم موصوف صادر و اعلام می نمایم.

در خصوص بزه منتسب به متهم ردیف سوم فرهاد ارجمندی ؛دایر بر مشارکت در ایراد ضرب و شتم و تخریب با توجه به اینکه مشارایه در حادثه کوی دانشگاه فرمانده نوپو بوده و در محضر دادگاه صریحاً به ورود به کوی دانشگاه اعتراف نموده و اظهار می دارد که «هم خودم وارد شده و هم دستور ورود به کوی دانشگاه را برای دستگیری عوامل اغتشاشگر و تقابدارن به عوامل جمعی خود و نیروهای تحت امر دادم و در عین حال به صراحت منکر مشارکت در ایراد ضرب وشتم و تخریب است .ضمن آنکه دلیل شرعی مثبت به معنون در کیفر خواست در مورد منصور نمی باشد و با عنایت به اظهارات سردار نظری دایر بر اینکه سیاست و تدبیر من در حادثه کوی، عدم ورود بوده و هر کس وارد کوی شد بدون دستور من بوده و خلاف نظر من عمل کرده و با عنایت به اینکه در میدان عملیات نظامی ،هر گاه فرمانده مافوق در صحنه حضور داشته باشد و فرماندهی برعهده او باشد فرماندهان تحت امر چنانچه بر خلاف نظر مافوق عمل کنند طبعاً لغو دستور نموده اند. علیهذا با ملاحظه جمیع مراتب معنون وموصوف ،عنوان اتهامی فوق الذکر را لغو دستور تشخیص و با تغییر عنوان اتهامی و احراز بزهکاری وی از حیث لغو دستور مستنداً به ماده ۳۳ قانون م ن م، مشارایه را به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم می نمایم.

درخصوص بزه معنون ردیف دوم و چهارم الی بیستم،دائر بر مشارکت در ایراد ضرب و شتم و تخریب، با عنایت به مجموع محتویات پرونده و مفاد اوراق آن: ۱-مصدوم شدن عده ای در حادثه کوی دانشگاه مسلم و محرز است . ۲-مسلم است که بعضی از مصدومین که تعداد آنها مشخص نیست از مجموع کسانی که گواهی پزشکی قانونی ارائه داده و مبادرت به طرح شکایت نموده اند،بی گناه بوده و بدون مقاومت در برابر مأموران، مورد صدمه و ایراد ضرب وجرح قرار گرفته اند. ۳-بدیهی است که عده ای از مأموران انتظامی مقاومت نموده. در حین ارتکاب جرم مشهود و تعقیب قانونی در خیابان کارگر شمالی یا در محوطه کوی و یا در محیط خوابگاه ها مصدوم گردیده اند. از آنجا که این افراد در حین سنگ پراکنی و آتش زدن اموال عمومی و پرتاب مواد مخدر و شعار دادن علیه ارکان نظام با مأموریتی که در حال انجام وظایف قانونی خویش بوده اند، مواجه شده و مصدوم گردیده اند، هیچ بزهای برای متهمین موصوف در کیفر خواست منصور نیست . ۴-چون دانشجویان عزیزی که صدمه دیده و حقوق مسلم آنان باید احقاق شود از فرد خاصی شکایت نکرده اند و ضارب هر یک به صورت جداگانه معلوم نبوده و قابل شناسایی نیز نمی باشد. زیرا غیر از مأموران نیروی انتظامی افراد و گروه های دیگری با لباس شخصی وارد کوی شده و بعضاً مبادرت به ایراد ضرب و جرح دانشجویان نموده اند، به طوری که نه مصدومین توانسته اند آنان را شناسایی کنند و نه مأموران و نه دلیل روشنی حاکی از انتساب ضرب و جرح به فرد خاصی وجود دارد و به هر حال متهمین موصوف (ردیف دوم و چهارم الی بیستم) همگی در حال انجام وظیفه بوده و منکر اتهام انتسابی اند. شکات نیز نسبت به فرد خاصی از متهمین شاکی نبوده تا با انکار متهم و به لحاظ حق الناس بودن موضوع نوبت تحلیف فرارسد. بناء علی هذا ضمن رأی بر برائت آنان و اعلام آن و با اجازه حاصله از ماده (۳۳۲) ق.م اسلامی که مقرر می دارد: هر گاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود. با تنقیح مناط و وجود وحدت ملاک (خصوص کلمه مصدوم در ردیف کلمه مقتول) از ماده مرقوم و با توجه به اینکه اقادیر ضمنی بعضی از سربازان و امارات موجود موجب ظن دائر بر ایراد ضرب و صدمه می باشد. گرچه مصرحاً و مشخصاً از فرد یا افراد معینی به عنوان فاعل بزه یاد شده طرح شکایت ننموده اند. معهذا چون اقاریر مزبور نزد دادگاه صورت نپذیرفته بلکه متهمین تماماً اقاریر اولیه خویش در دادسرا را منکر گردیده اند، نمی توانند مفید قطع و یقینی باشد که محکمه را در صحت انتساب بزه موصوف به آنان اقناع نماید. النهایه و بنا به مراتب معروضه سابق الذکر و با ملاحظه نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری به شماره ۷۷/۸۱۰/۰ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ و با مداقه در مفاد و مضمون روایات باب شش از ابواب دعوی القتل و مایلیت ، به خصوص مفاد حدیث سوم و چهارم همان باب که "دیلاً عیناً ذکر می کنم:ج ۱۹ وسائل الشیعه صفحه ۱۱۰ ...عن ابی عبدالله علیه السلام قال ،قال امیرالمؤمنین(ع). لیس فی الهاویشات عقل و لاتصاص و الهاویشات الفزعه تقع باللیل و النهار فیشج الرجل فیها او یقع قتیل لایدری من قتله و شجه. یعنی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نه باید از بیت المال پرداخت شود و با اجازه حاصله از ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی و مستنداً به مواد ۲ و ۳۶۷ و ۳۷۵ و ۴۳۱ و ۶۴۰ و ۶۸۱ و بند الف ماده ۶۸۲ و ماده ۶۸۴ و ۶۸۵ از قانون مجازات اسلامی، دیه شرعی صدمات وارده بر افراد مشروحه ذیل باید از بیت المال پرداخت گردد.

۱-در حق آقای محسن جمالی با توجه به گواهی پزشکی قانونی به شماره ۱۰۵/۲۶۲۹۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳ و مستنداً به ماده ۴۵۷ و بند ۷ ماده ۶۸۰ از قانون مجازات اسلامی از بابت تخلیه کامل چشم راست، یک دوم دیه "کامل شرعی یک مرد مسلمان و بابت شکستگی استخوان گونه راست در حد مقله پانزده میلی متر دیه کامل مرد مسلمان در حق مشارایه پرداخت گردد.

۲-در حق آقای غلامرضا محمودی با گواهی پزشکی قانونی به شماره ۱۰۵/۱۵۹۲۶ مورخ ۷۸/۴/۳۰ و مستنداً به ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی از جهت شکستگی ثلث انتهایی استخوان زندانشدار ،هشت صدم دیه شرعی مرد مسلمان در حق وی پرداخت گردد.

۳-در حق آقای رامین کریمی با گواهی پزشکی قانونی به شماره ۱۰۵/۱۴۲۵۰۶ و مستنداً به ماده ۴۲۲ و ۶۸۰ و ۶۸۴ از قانون مجازات اسلامی از جهت شکستگی استخوان درشت نی و نازک نی پای دی ،هشت صدم دیه "کامل مرد مسلمان و از جهت حارصه پای راست ، یک دویستم دیه شرعی و از جهت کبودی ساق پا یک ونیم دینار طلای مسکوک به عنوان دیه شرعی پرداخت گردد.

۴-در حق آقای سعید کرد به شماره گواهی پزشکی ۱۰۵/۱۶۵۴۸ مورخ ۷۸/۵/۲ و مستنداً به ماده ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت چاقو زدن در حد دامیه، دوصدم دیه "کامل مرد مسلمان.

۵-در حق آقای احمد سبزیان ملایی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۳۰۳۰ مورخ ۷۸/۶/۱۷ مستنداً به مواد ۴۸۴ و ۴۸۰ از جهت کبودی دست چپ یک ونیم دینار و از جهت دو قفره حارصه روی دست و پا، یک صدم دیه.

۶-در حق آقای قدرت فرضی با گواهی شماره ۱۰۳۷۳۳ ب/ش مورخ ۷۸/۴/۲۸ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت دو عدد دامیه در داخل پای راست دوصدم دیه "کامل مرد مسلمان.

۷-در حق آقای فرید آزادبخت با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۱۶۶۸۵ مورخ ۷۸/۵/۱۷ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت سه قفره دامیه در پشت دست چپ، جمعاً به سه صدم دیه "کامل مرد مسلمان.

۸-در حق آقای نوید مقرب با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۱۲۹۰۲ مورخ ۷۸/۶/۲ و مستنداً به ماده ۴۸۴ بند ب و ۴۸۵ و ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت یک قفره دامیه در لب ، به دو صدم و از جهت تورم بینی به پانصدهزار ریال به عنوان ارش و از جهت شش قفره درغیر صورت ، به نه هزارم و از جهت یک عدد "کبودی چشم به سه هزارم و از جهت شش قفره حارصه در غیر سر و صورت به سه صدم دیه.

۹-در حق آقای حسین کمندی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۱۶۶۸۹ مورخ ۷۸/۵/۲ مستنداً به ماده ۴۸۴ بند ب از جهت چهار قفره کبودی در غیر صورت ، به شش هزارم دیه شرعی.

۱۰-در حق آقای فریدیانی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت یک قفره حارصه در صورت ، یک صدم دیه شرعی.

۱۱-در حق آقای فردین تقی زاده با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت دو قفره دامیه در قسمت سر، دوصدم دیه شرعی.

۱۲-در حق آقای سیاوش اختری با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت یک قفره دامیه در پیشانی، دوصدم دیه.

۱۳-در حق آقای شهرام زرینی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۵ از جهت تورم در ناحیه گردن، پانصدهزار ریال به عنوان ارش.

۱۴-در حق آقای جواد ابراقی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ و ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی از جهت دامیه با، یک صدم دیه و از جهت کبودی به لحاظ تداخل ، دیه مفروض نیست .

۱۵-در حق آقای کرم کریمی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ بند ۲ در جهت پا گی در ناحیه دست ، یک صدم دیه شرعی.

۱۶-در حق محمدرضائی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۴ بند ب و ۴۲۵ قانون مجازات اسلامی از جهت کبودی در ناحیه ساعد، یک ونیم دینار و در جهت کبودی بند انگشت اول دست راست به یک دهم از چک ونیم هزارم دیه "کامل مرد مسلمان.

۱۷-در حق آقای حمید توحیدی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۱ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت حارصه سر یک صدم دیه.

۱۸-در حق آقای رضا سرجی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۵ قانون مجازات اسلامی از جهت تورم روی بازو، پانصدهزار ریال به عنوان ارش .

۱۹-در حق آقای ایت جوادی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ بند ۲ قانون مجازات اسلامی و ۴۲ قانون مرقوم، از جهت دوقفره شکستگی شانزدهصدم دیه "کامل مرد مسلمان.

۲۰-در حق آقای صادق کوتیک با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی بند ۲، از جهت پا گی در ناحیه کمر در حد دامیه یک صدم دیه کامل مرد مسلمان.

۲۱-در حق آقای محمدحسن کارخانه با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت دوقفره دامیه در قسمت سر، چهارصدم دیه شرعی.

۲۲-در حق قربانعلی فرجی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۳۱ قانون مجازات اسلامی، جهت شکستگی در مهره کمری دوم یکصددینار طلای مسکوک به عنوان دیه شرعی به وی پرداخت شود.

۲۳-در حق عباس خایتخیان با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت وجود حارصه در لب و بینی، دو قفره دوصدم دیه و از جهت کبودی زیرچشم به استناد ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی سه هزارم دیه پرداخت شود.

۲۴-در حق آقای غلامعلی خسروی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۵ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی در جهت بریدگی در ناحیه پیشانی در حد موضحه، پنج صدم دیه شرعی مرد مسلمان .

۲۵-در حق آقای علی اکبر بلندی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به بند ۲ ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از جهت پا گی روی پیشانی راست در حد دامیه، دوصدم دیه یک مرد مسلمان.

۲۶-در حق آقای علی سلیمانی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ بند ۲ از جهت پا گی روی پیشانی در حد دامیه، دوصدم دیه شرعی.

۲۷-در حق آقای سیامک مسعودی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۵ قانون مجازات اسلامی به مبلغ پانصدهزار ریال به عنوان ارش .

۲۸-در حق آقای رضا شعبانی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۲ بند الف از جهت جراحت ناشی از ورود گلوله در سمت راست قفسه صدری در حد جاذبه، یک سوم دیه شرعی.

۲۹-در حق آقای رضا فریدزاده با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۴ بند ب از جهت کبودی در بینی سه هزارم دیه و از جهت دوقفره کبودی در غیر سر وصورت به سه هزارم دیه.

۳۰-در حق آقای عبدالمجید نادری با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی یک ونیم هزارم دیه شرعی.

۳۱-در حق آقای عبدالله خسروی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ بند ۱ از جهت وجود حارصه در ناحیه کمر، یک دویستم دیه شرعی پرداخت شود.

۳۲-در حق آقای جنو میکائیلی با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۰ و ۴۸۱ قانون مجازات اسلامی از جهت پا گی در سطح قدامی زانوی چپ در حد دامیه یک صدم و از جهت شکستگی عرضی در قسمت میانی استخوان کشکک چپ هشت صدم دیه شرعی.

۳۳-در حق آقای مهرداد انصاری با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۶۸۵ قانون مجازات اسلامی به مبلغ پانصدهزار ریال به عنوان ارش .

۳۴-در حق آقای نورمحمد صفاری با گواهی پزشکی شماره ۱۰۵/۳۷۹۰ مورخ ۷۹/۲/۲۰ مستنداً به ماده ۴۸۴ بند ۲ از جهت کبودی در ناحیه پشت یک ونیم دینار طلای مسکوک به عنوان دیه شرعی، که تمامی دیات مذکوره در مورد اسامی مذکوره موصوفه و در حق آنان به عهده بیت المال خواهد بود .

و اما در خصوص اتهام ردیف پنجم (اورجعلی برزاده) مبنی بر سرقت اموال شخصی دانشجویان، دادگاه با عنایت به محتویات پرونده وادعای وی مبنی بر اینکه ماشین برقی موزر را من به وظیفه سید محسن برهانی داده ولی قصد داشتم کشف آن را به مسؤولان گزارش کنم (ص ۱۷۰ جلد ۷) امری است غیرمعقول زیرا اگر نامبرده قصد تملک نداشت چرا اسناً وسیله شخصی دانشجوی کوی را برمی داشت ؟ و برفرض که پس از برداشتن پشیمان شده، چه صورتی داشت که آن را به وظیفه برهانی بدهد؟ به علاوه درنهایت هم دلیلی بر گزارش نمودن ارائه نموده است و با توجه به مدافعات غیرموجه متهم موصوف و قرائن و شواهد موجود در پرونده، بزهکاری مشارایه در خصوص سرقت رامحرز و مسلم دانسته مستنداً به ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی نامبرده را به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت و جزای نقدی به میزان یک میلیون ریال بدل از شلاق قانونی محکوم و مقرر است مال مسروقه با احراز هویت به صاحبش مسترد گردد. و اما در خصوص دادخواست تقدیمی آقای محسن رهامی به وکالت از دانشجویان و دانشگاه تهران به طرفیت آقایان فرهاد نظری، خدایخشی، ارجمندی، رامین نظری، بیرزاده، دالوند، سیدحسین احمدی، حسن احمدی، جلیلی، مهدیان، مرادیان، قاضی زاده، امدادی، پزشکی، باقری، فلاح حمیدی، علی پور نوذری، شجاعی، برون و برده بازنودهی و به خواسته صدور قرار تأمین خواسته به میزان ۵ میلیارد و نهصد و پنجاه میلیون ریال مورخ ۷۹/۲/۷ دادخواست آقایان دکتر معین وزیر محترم علوم و تحقیقات و فوآ قری و آقای فرهادی وزیر محترم بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به طرفیت نیروی انتظامی و به خواسته جبران خسارت معنوی که به کلاسه ۷۹/۴/۵۶۳/۱۲/۷۹ مورخ ۷۹/۳/۱ به ثبت رسیده،صرف نظر از صحت و سقم ادعای خواهان ها و مطالبات آنان ،نظر به اینکه به حکایت